

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

شورای عالی هنر و ادبیات؛ استمرار دومینوی ستادسازی دولت

منان رئیسی نماینده مردم قم در گفتگو با نوبنیاد می گوید «که دولت در شوراهای تأثیرگذار کشور، مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی و برخی شوراهای دیگر، همان مسیر شورای عالی فضای مجازی را به موازات دنبال می کنند تا بتوانند برنامه هایی را که در شوراهای عالی و در ساختار فعلی نمی توانند به تصویب برسانند، از این مسیر موازی به نتیجه برسانند.»

۳



همزمان با تشدید اوضاع اقتصادی
کشور، پزشکيان از عملکرد تیم اقتصادی
دولت قدردانی کرد

تقدیر به جای توبیخ

۲



پیام پایان حاکمیت تفکر برجانی

تب داغ استیضاح عراقچی در مجلس

۷

نماینده جنبش حماس در گفتگو با نوبنیاد؛

طوفان هنوز تمام نشده است

۶



عدالت آموزشی یا بی عدالتی؟

سینا کلهر
استاد جامعه‌شناسی فرهنگی

صفحه ۴

اقتصادی



افسار خودرو در دست کیست؟

قیمت‌ها با سرعت بالا می‌روند، اما تولید و فروش خودروسازان کاهش یافته است. در چنین شرایطی، مردم به عنوان مصرف‌کننده نه تنها با خودروهای گران‌تر روبه‌رو هستند، بلکه برای محصولی که عرضه آن کمتر شده است، باید هزینه بیشتری نیز بپردازند.

صفحه ۵

اقتصادی



دست‌آورد روی کاغذ، گرانی در سفره مردم

یک طرف ماجرا سخنان اخیر همتی، رئیس بانک مرکزی است که از کاهش شتاب نقدینگی، کنترل بازار ارز و جلوگیری از وقوع ابرتورم سخن می‌گوید؛ و در طرف دیگر، آمارهایی قرار دارد که تصویر متفاوتی از عملکرد اقتصادی دولت پزشک‌یان ارائه می‌دهد.

از حدود ۱۶ میلیون دانش‌آموز کشور، ۸۶ درصد از دانش‌آموزان در مدارس دولتی عادی تحصیل می‌کنند (یعنی مدرسی که در محله‌ها و مناطق شهرها هستند)، ۲ تا ۴ درصد در مدارس دولتی خاص (سمپاد، نمونه دولتی، شاهد، البرز) و ۱۰ تا ۱۲ درصد هم در مدارس غیردولتی تحصیل می‌کنند. تا همین جا، اگر جزئیات را نادیده بگیریم، می‌توان یک ساختار آموزشی با سه الگوی آموزشی در کشور را مشاهده کرد.

متن کامل در صفحه ۳

همزمان با تشدید اوضاع اقتصادی کشور، پزشک‌های از بانک مرکزی و وزارت اقتصاد قدردانی کرد

تقدیر به جای توبیخ



جعفر کاظمی

روزنامه‌نگار

در اوج کمبود ارز بانک مرکزی گفته به هر بالای ۱۸ سال ۱۰ هزار دلار می‌دهد؟ اینها پول بیماران پروانه‌ای و مردم گرفتار است که در جیب سرمایه دارها و دزدها می‌رود. از سویی دیگر هم رئیس کل بانک مرکزی و هم وزیر امور اقتصاد که از سوی رئیس دولت مورد قدردانی قرار گرفتند، به خاطر عملکرد نامطلوب خود در حوزه ماموریت‌های اقتصادی، حاضر به پاسخگویی به خبرنگاران نیز نبوده و نیستند. در روز پیش زمانی که از مدنی‌زاده وزیر اقتصاد درباره افزایش عجیب قیمت دلار سوال پرسیده شد، او پاسخ را به همتی حواله داد. نکته جالب اینکه همتی نیز پاسخگوی خبرنگاران و مردم نبود و نیست.

اوضاع اقتصادی کشور در شرایط ویژه‌ای و بی‌سابقه‌ای قرار دارد. کمترین انتظار از دولت در چنین شرایطی، همدلی با مردمی است که در نتیجه سوءمدیریت اقتصادی دولت چهاردهم، تحت فشار قرار گرفته‌اند؛ در چنین شرایطی تقدیرهای مکرر پزشک‌های از وزرا و مسئولان اقتصادی دولتی نه تنها کمکی به وحدت و انسجام نمی‌کند که اتفاقاً محل همبستگی و اتحاد خواهد بود.

انتقادات مردم روبرو هستند، موضوعی قابل تأمل است اما با رویه دولت چهاردهم همخوانی دارد. پزشک‌های پیش از این و در جریان رکوردزنی قیمت دلار در کانال ۲۰۰ هزار تومان نیز از عبدالناصر همتی تقدیر و تشکر کرده بود. شهریورماه گذشته در شرایطی که نرخ دلار از مرز تاریخی ۲۰۰ هزار تومان عبور کرده و اقتصاد ایران با یکی از سخت‌ترین دوره‌های توریسمی خود مواجه بود، دولت در جشنواره شهید رجایی از عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی، به دلیل آنچه «مدیریت بحران در طول جنگ تحمیلی» خوانده شد، تقدیر کرد؛ اقدامی که با واکنش‌های انتقادی گسترده‌ای روبه‌رو شده است.

در این مقطع نیز بانک مرکزی و شخص همتی در معرض انتقادات گسترده قرار گرفته اما رئیس دولت ترجیح داده است از او به خاطر مدیریت شرایط تقدیر کند. مهدی کوچک‌زاده در روز پیش در واکنش به تصمیم ارزی بانک مرکزی برای فروش دو میلیارد دلار گفته بود: چرا مملکت اینقدر بی‌صاحب شده که راننده رفسنجانی (همتی) هر غلطی می‌خواهد در این کشور میکند؟ برای چه

مسعود پزشک‌های روز گذشته در جلسه هیأت دولت با اشاره به اینکه مدیران، معاونان و دستگاه‌های اجرایی اعم از دولتی و خصوصی، سایر نهادها و شخصیت‌ها درک واقع‌بینانه‌ای از شرایط موجود کشور دارند، گفت: ما در یک جنگ تمام‌عیار در ابعاد کامل قرار داریم. البته در این شرایط، ضمن اینکه در حال گفتگو و مذاکره هستیم، برای احقاق حق و حقوق ملت ایران از موضع عزت و اقتدار سخن می‌گوییم و در عین حال با قدرت برنامه مقاومت و تاب‌آوری را دنبال می‌کنیم و قطعاً بدون شک مقاومت خواهیم کرد و دشمن را ناامید و مأیوس خواهیم ساخت. پزشک‌های همچنین از بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و سازمان برنامه و بودجه، وزارت جهاد، صمت، نیرو و نفت و سایر دستگاه‌ها که با جدیت تمام سعی در مدیریت شرایط و مایوس کردن دشمنان تلاش می‌کنند، قدردانی کرد.

قدردانی رئیس دولت از دو دستگاهی که در شرایط اقتصادی فعلی با بیشترین

خبر کوتاه

عیادت نمایندگان رهبر انقلاب از آیت الله نوری همدانی

روز گذشته، هیأتی از طرف رهبر معظم انقلاب اسلامی، بعد از ظهر امروز از حضرت آیت‌الله نوری همدانی در بیمارستان عیادت کردند. حجت‌الاسلام والمسلمین رحیمیان، محمدی عراقی، محمدیان و حاج علی‌اکبری، بعد از ظهر امروز با حضور در یکی از بیمارستان‌های تهران، ضمن ابلاغ سلام رهبر معظم انقلاب اسلامی به حضرت آیت‌الله نوری همدانی، از مراجع عظام تقلید، در جریان آخرین روند درمانی و معالجه‌ای ایشان قرار گرفتند. نمایندگان رهبر انقلاب اسلامی همچنین با آرزوی سلامتی هرچه زودتر حضرت آیت‌الله نوری همدانی اظهار امیدواری کردند حوزه‌های علمیه به زودی بار دیگر از فضائل علمی این مرجع بزرگوار بهره‌مند شوند.

سردار نقدی: مسیرهای غیرقانونی در تنگه هرمز را مسدود می‌کنیم

روز گذشته، سردار محمد رضا نقدی، مشاور عالی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در تشریح وضعیت تنگه هرمز گفت: تنگه هرمز بسته است، اما برخی با شناورهای کوچک اقدام به قاچاق نفت و انتقال آن به نفتکش‌ها می‌کنند. سردار نقدی در ادامه خاطر نشان کرد، به زودی، تعداد کمی از مسیرهایی که افراد متخلف از طریق انفجار و تخریب برخی از مسیرهای صخره‌ای موجود در تنگه هرمز ایجاد کرده‌اند، مسدود خواهند شد.

تاریخ‌های اعلامی برای انتخابات شوراها واقعی نیست

علی زینی‌وند معاون سیاسی وزیر کشور در گفت‌وگویی درباره زمان برگزاری انتخابات شوراهای شهر و روستا گفت: اگر در وضعیت قبلی که شعام درباره انتخابات شوراها اعلام کرده تغییری حاصل شود، ستاد انتخابات رسماً بیانیه می‌دهد. بنابراین این تاریخ‌هایی که اعلام می‌شود، هیچ‌کدام واقعی نیست و هنوز ما منتظریم.

انتقاد خلجی از اجازه ورود سفیر آلمان به ایران

سپهر خلجی، رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت سیزدهم در حساب کاربری خود نوشت: سفیر جدید آلمان که دولت‌ش ۹۰٪ تسلیحات اسراییل در جنگ علیه ایران را تأمین کرده و صدراعظم فاشیست آن هم اعتراف کرد مأموریت کار کثیف اروپا در کشتار و جنایت را به نتانیاهو سپرده‌اند و از هیچ اقدامی علیه مردم و دولت ایران نیز کوتاهی نمی‌کنند اجازه ورود به ایران را دریافت کرده است.

انتقاد محصولی از قالیباف

دبیرکل جبهه پایداری انقلاب اسلامی در واکنشی انتقادی نسبت به قالیباف در حساب کاربری خود نوشت: آیا ریاست محترم مجلس و هیأت رئیسه نسبت به افزایش نرخ ارز که موجب بالا رفتن قیمت انواع کالاها، اعم از ارزاق و مواد غذایی شده و لزوم ورود در برابر اقدامات تنش‌زای رئیس بانک مرکزی احساس وظیفه‌ای نمی‌کنند. خوبست بجای صرف‌انرژی برای تشدید اختلافات داخلی، تمرکز خود را بر حل مشکلات معیشتی مردم شریف و صبور و همواره حاضر در صحنه‌های حماسی معطوف فرمایید. متأسفانه روند فعلی سیاست‌های بانک مرکزی در جهت برآورده شدن اهداف دشمن یعنی فشار حداکثری بر ملت ایران است. با توجه به اهمیت موضوع لازم است قوه محترم قضائیه هم سریعاً ورود کرده و مانع اجرای سیاست‌های اقتصادی دشمن در کشور شوند. آقایان! دست بر روی دست مگذارید اقدام فوری لازم است.

بهارستان

رضایی: نباید توانمندی‌های خود را در مذاکرات از دست بدهیم

ابراهیم رضایی، نماینده دشتستان در مجلس شورای اسلامی، شب گذشته در رسانه ملی، با اشاره به شرایط منطقه و تداوم جنگ میان ایران و آمریکا، گفت: بر اساس برخی گزارش‌های منابع آمریکایی، نیروهای نظامی این کشور با مشکلاتی از جمله کمبود خواب و فشارهای روانی مواجه‌اند. وی افزود: از نظر مالی و بودجه‌ای نیز پنتاگون در وضعیت بحرانی قرار دارد و ذخایر موشک‌های آتند و پدافندی آمریکا در ماه‌های اخیر به شدت کاهش یافته است؛ به گونه‌ای که جبران این ذخایر سال‌ها زمان خواهد برد.

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با اشاره به توانمندی‌های نیروهای مسلح ایران گفت: امروز توان هدف قرار دادن اهداف متحرک در فواصل دور، از جمله ناوهای آمریکایی در اقیانوس هند، وجود دارد و قدرت و سرعت موشک‌ها و توان عبور آنها از سامانه‌های پدافندی دشمن نیز افزایش یافته است. وی با بیان اینکه به اعتقاد یکی از مقامات ارشد امنیتی، دست‌کم ۸۰ درصد افزایش قیمت

ارز منشأ داخلی دارد، تأکید کرد: در شرایط جنگی باید با کسانی که در بازار دست به احتکار و دستکاری قیمت‌ها می‌زنند برخورد شود. رضایی درباره پیام‌های ردوبدل شده میان ایران و آمریکا نیز عنوان کرد: آمریکایی‌ها به دنبال گرفتن امتیاز در موضوع هسته‌ای هستند، اما تاکنون هیچ تعهدی در این زمینه به آمریکا داده نشده است. ایران نباید توانمندی‌های هسته‌ای خود را در مذاکرات از دست بدهد و حتی برای غنی‌سازی ۹۰ درصد نیز نباید این توانمندی واگذار شود.



یادداشت

عدالت آموزشی
یابی عدالتی؟سینا کلهر
استاد جامعه‌شناسی فرهنگی

قبل از هر تحلیلی، آمار خود سخن می‌گوید:

از حدود ۱۶ میلیون دانش‌آموز کشور، ۸۶ درصد از دانش‌آموزان در مدارس دولتی عادی تحصیل می‌کنند (یعنی مدرسی که در محله‌ها و مناطق شهرها هستند)، ۴ تا ۲ درصد در مدارس دولتی خاص (سمپاد، نمونه دولتی، شاهد، البرز) و ۱۰ تا ۱۲ درصد هم در مدارس غیردولتی تحصیل می‌کنند. تا همین جا، اگر جزئیات را نادیده بگیریم، می‌توان یک ساختار آموزشی با سه الگوی آموزشی در کشور را مشاهده کرد.

متأسفانه آماری از ترکیب یک میلیون و ۷۰ هزار نفر شرکت‌کننده کنکور ۱۴۰۵ نداریم و نمی‌دانیم که آیا ترکیب این شرکت‌کنندگان همچون ترکیب دانش‌آموزان مدارس است یا خیر. در غیاب آمار، می‌توانیم در یک سناریوی تحلیلی فرض را بر این بگذاریم که حدود ۷۵ درصد از شرکت‌کنندگان کنکور در مدارس دولتی عادی تحصیل کرده‌اند، ۵ درصد در مدارس دولتی خاص و ۲۰ درصد هم در مدارس غیردولتی. با توجه به شرکت مجدد بخشی از داوطلبان، چنین فرض تحلیلی می‌تواند در این سناریو قابل اتکا باشد. حال می‌توانیم نتایج ۳۰ نفر رتبه برتر سه رشته اصلی کنکور (ریاضی، تجربی و انسانی) را بررسی کنیم. آمار این افراد وجود دارد.

۸۷ درصد رتبه‌های برتر مربوط به مدارس دولتی خاص بوده است. سمپاد با ۶۴ درصد سهم از ۳۰ رتبه برتر، بیشترین سهم را از رتبه‌های برتر کنکور دارد. ۱۳ درصد باقی‌مانده هم متعلق به مدارس غیردولتی است. سهم مدارس دولتی عادی هم صفر است. به عبارتی، ۷۵ درصد شرکت‌کنندگان در کنکور هیچ سهمی از رتبه‌های برتر ندارند. این نتیجه‌گیری البته نیازمند تأیید از طریق آمار رسمی است. آیا این نتایج به معنای بی‌عدالتی مطلق است؟ ممکن است باشد. اما نیاز به بررسی دارد. مدارس دولتی عادی، دوبار در طول دوره آموزشی، بخشی از دانش‌آموزانی را که عملکرد تحصیلی بالایی دارند، گزینش کرده‌ و در قالب آزمون استعدادهای درخشان به مدارس خاص دولتی می‌فرستند. بنابراین، دانش‌آموزان مدارس خاص دولتی، گزینش‌شده و موفق‌آموزانی هستند که از مدارس عادی گرفته‌شده‌اند. پس موفقیت مطلق مدارس دولتی خاص، که یکی از ویژگی‌هایشان اخذ میزانی از شهریه است، نمی‌تواند به معنای بی‌عدالتی مطلق باشد. حداقل تا اینجا مشخص است که در ساختار سه‌الگوی آموزشی ایران، آنهایی که در آزمون موفق هستند، از مدارس عادی به مدارس خاص دولتی، از جمله سمپاد، می‌روند و همین‌ها رتبه‌های برتر کنکور را دارند. موضوع البته ساده نیست. باید شرایط و امکان‌های قبولی در آزمون‌های تیزهوشان را بررسی کرد تا میزان بی‌عدالتی آموزشی پنهان در مدارس دولتی خاص آشکار شود. علاوه بر این، بر اساس آماري که از مدارس رتبه‌های زیر ۳ هزار کنکور ۱۴۰۰ منتشر شده، ۶۴ درصد رتبه‌های زیر ۳ هزار متعلق به مدارس دولتی خاص، ۱۸ درصد مدارس غیردولتی و ۱۵ درصد مدارس دولتی عادی بوده است. اگر همین نسبت را به کنکور سال‌های بعد تسری بدهیم، باز هم موفقیت بالای مدارس دولتی خاص و موفقیت پایین مدارس دولتی مشخص می‌شود. اگرچه این نتایج به معنای بی‌عدالتی مطلق و آشکار نیست، اما بررسی جزئیات آزمون‌های مدارس دولتی خاص و شرایط خاص مدارس غیردولتی، از جمله شهریه‌های بالا، می‌تواند لایه‌های پنهان تری بی‌عدالتی را آشکار کند. آنچه مسلم است، گزینش‌هایی که در طول سال‌های تحصیلی از مدارس عادی می‌شود و احتمالاً چند عامل دیگر، از جمله کیفیت آموزش، امکانات و... باعث شده است که میزان موفقیت در مدارس عادی دولتی، حتی با لحاظ رتبه زیر ۳ هزار، بسیار پایین باشد.

پیامدهای مدارس غیردولتی، به خصوص مواردی که به مرکزی برای تحصیل دانش‌آموزان خاص تبدیل می‌شوند، مسئله جداگانه‌ای است که نیازمند بررسی دقیق، مستند و به دور از حواشی است. با این همه، مدارس غیردولتی علی‌رغم شهریه‌های بسیار بالا و تبلیغات بسیار زیاد، در رقابت با مدارس دولتی خاص رتبه پایینی دارند و سهم آنها، چه از رتبه‌های برتر و چه از رتبه‌های زیر ۳ هزار، به ۲۰ درصد هم نمی‌رسد.



دنبال می‌کنند تا بتوانند برنامه‌هایی را که در شوراهای عالی و در ساختار فعلی نمی‌توانند به تصویب برسانند، از این مسیر موازی به نتیجه برسانند. «نماینده مردم قم تصریح کرد: این اقدام، کج‌روی از قانون است؛ اما مقصر اصلی، خود عزیزی هستند که اکنون در این شوراهای عالی حضور دارند و نسبت به وضعیت فعلی، که دولت در حال دور زدن این شوراهاست، سکوت کرده و عملاً آن همراهی می‌کنند. تلاش دولت این است که کار خود را پیش ببرد.

رئیس‌ی در ادامه در پاسخی به سوالی مبنی بر اینکه نقش مجلس شورای اسلامی در جلوگیری از فرآیندهای غیرقانونی دولت چگونه است؟ اظهار کرد: کدام مجلس؟ وقتی رئیس مجلس خودش عملاً در بسیاری از این تخلفات قانونی سکوت می‌کند و همراهی ضمنی دارد، چه انتظاری می‌توان داشت؟ متأسفانه وضعیت به گونه‌ای است که ترکیب فعلی مجلس، برآیندش به نحوی نیست که بتواند جلوی تخلفات قانونی را بگیرد.

نماینده مردم در قم در پایان تأکید کرد که اقدامات دولت و سکوت مجلس، تبعات خطرناکی از جمله، نفی مردم‌سالاری، عادی‌سازی تخلفات قانونی، بی‌حرمت شدن قانون و در نهایت نهادینه شدن خودرایی و دیکتاتوری را به همراه دارد.



بعد از اقدام پرانتقاد دولت در تشکیل «ستاد ویژه فضای مجازی»، «شورای عالی هنر و ادبیات» نیز با ماموریت‌های مشابه با شورای عالی انقلاب فرهنگی تشکیل شد.

شورای عالی هنر و ادبیات؛
استمرار دو مینوی
ستادسازی دولت

تشکیل «شورای عالی هنر و ادبیات» به پیشنهاد وزارت فرهنگ و ارشاد، در کنار تشکیل ستاد غیرقانونی «ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی» و همچنین مطابق شنیده‌ها که حاکی از احتمال شکل‌گیری یک شورای دیگر تحت عنوان شورای دانش، این شائبه را به وجود آورده است که دولت در حال ایجاد مسیری موازی برای پیشبرد اهداف خود و عبور از ساختارهای رسمی و قانونی نظام تصمیم‌گیری کشور می‌باشد. و این در حالی است مجلس شورای اسلامی نیز در این ماجرا در یک سکوت غیرقابل توجیه به‌سر می‌برد.

امیرحسین درکی

روزنامه‌نگار

قابل پیگیری است.

از جمله اهدافی که در

تشکیل این نهاد آمده

است عبارت است

از: « تقویت ارتباط

میان بخش‌های

سیاست‌گذاری،

برنامه‌ریزی، اجرایی، نظارتی، آموزشی، پژوهشی و تولیدی، کمک به توسعه فرهنگ و هنر در سراسر کشور، رفع چالش‌های بین‌دستگاهی و تسهیل و بهینه‌سازی فرآیند خدمت‌رسانی به فعالان و مشاغل حوزه هنر و ادبیات در سطوح استانی، ملی و بین‌المللی، افزایش هم‌افزایی، هماهنگی و همکاری‌های فرهنگی، هنری، اقتصادی، حقوقی و فنی دستگاه‌های متولی، اجرایی و نهادهای ذی‌ربط با یکدیگر و با بخش‌های غیردولتی بدون افزایش هرگونه ساختار و تشکیلات جدید»

نکته قابل تأمل در این مسئله اینجاست که این مجموعه اقدامات دولت که به شکل‌گیری یک مسیر موازی منتهی شده است در سایه سکوت و عدم نظارت مجلس شورای اسلامی صورت پذیرفته است. و مشخص نیست مجلس شورای اسلامی چه زمانی قرار است به یکی از ماموریت‌های اصلی خود که نظارت بر سایر قواست روی بیاورد؟!

دولت در سایه سکوت مجلس، یک مسیر موازی برای پیش برد اهداف تشکیل داده است!

محمدمنان رئیس‌ی نماینده مردم در قم در گفتگو با نوبیاد در خصوص رویه اقدامات بدعت‌آمیز و خطرناک دولت چهاردهم، از جمله تشکیل «ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی» و همچنین تشکیل شورای های موازی غیر ضرور نظیر «شورای عالی هنر و ادبیات» که به نظر می‌رسد با هدف محدودسازی شوراهای عالی کشور باشد، اظهار داشت: متأسفانه کاری که دولتی‌ها در شورای مجازی دنبال کردند، به نتیجه رسید و پس از آن به قوه قضاییه رفتند و در واقع به نوعی مجموعه را با خود همراه کردند. وی با بیان اینکه این موضوع را در مسائل دیگر نیز پیگیری می‌کنند. اظهار کرد:

«حتی شنیده‌ام که به نوعی

در شوراهای تأثیرگذار کشور،

مانند شورای عالی انقلاب

فرهنگی و برخی شوراهای

دیگر، همین مسیر را به موازات

روز چهارشنبه ۸ مهرماه ۱۴۰۵ به پیشنهاد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی و بنا به مصوبه هیئت وزیران، شورای عالی هنر و ادبیات به ریاست معاون اول رئیس‌جمهور تشکیل شد.

شورایی که در خصوص هدف و علت شکل‌گیری آن ابهاماتی وجود دارد؛ بویژه اینکه مروری بر ترکیب اعضای این شورای حاکی از حضور اکثریت مقامات دولت چهاردهم، از جمله وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی (دبیرشورا)، وزیر میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و دو نفر از وزرا به پیشنهاد وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و تأیید معاون اول رئیس‌جمهور، رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور، معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده، رئیس فرهنگستان هنر است. پرسش مهمی که در اینجا مطرح می‌شود این است که تشکیل این شوراهای با محوریت اعضای دولت چهاردهم با چه هدفی صورت می‌پذیرد؟ البته گفتنی است که طبق اطلاع خبرنگار نوبیاد، قرار است از شورایی دیگر تحت عنوان شورای دانش نیز رونمایی شود.

قابل ذکر است که این نوع کنشگری از سوی مقامات دولتی، آنهم در شرایطی که چندماه پیش، رئیس‌جمهور با تشکیل ستادی غیرقانونی تحت عنوان «ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی» مرتکب اقدامی خلاف قانون و موازی با شورای عالی فضای مجازی شده بود؛ این شائبه را به وجود می‌آورد که دولت به دنبال ساخت یک مسیر موازی برای پیش‌برد اهداف خود است. مسیری که از طریق آن بتوان، ساختارهای رسمی و قانونی نظام حقوقی کشور دور زد.

«ستاد ساماندهی و راهبری فضای مجازی» در حالی تشکیل یافته بود که رئیس‌جمهور به عنوان رئیس و همچنین تعدادی از وزرا از جمله رئیس مرکز ملی فضای مجازی، وزیر ارشاد، وزیر ارتباطات و وزیر علوم و تحقیقات و فناوری اعضای شورای عالی فضای مجازی هستند.

مروری بر اهداف تشکیل «شورای عالی هنر و ادبیات» که براساس مصوبه هیئت دولت، تهیه شده است حاکی از این مطلب این موضوعات نیز در ساختار کنونی شورای عالی انقلاب فرهنگی و نهادهای ذیل آن

افزایش اعتبار کالا برگ بازهم به آینده موکول شد



روز گذشته در گزارشی با عنوان «وعده کالا برگی دولت روی هوا رفت!» به وعده دولت چهاردهم برای افزایش کالا برگ پرداختیم؛ وعده‌ای که به نظر نمی‌رسد اجرایی شود که با اعلام وزارت، کار و رفاه اجتماعی تأیید شد. دولت در حالی از ماه‌ها قبل وعده افزایش اعتبار کالا برگ را داده بود و قرار بود برای ۵ دهک از نیمه مهرماه اجرایی شود. اطلاعیه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نیز نشان می‌دهد اعتبار کالا برگ مهرماه فعلاً همان یک میلیون تومان است. براساس این اطلاعیه، سرپرستان خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی و خانواری که رقم پایانی کد ملی آنها ۱۰ یا ۲ است، از دیروز (۱۵ مهرماه) امکان استفاده از اعتبار کالا برگ یک میلیون تومانی خود را خواهند داشت. خانوارهای دارای رقم پایانی ۳ تا ۶ از ۲۵ مهرماه و

بعد از تصویب و ابلاغ عدد دقیق منابع کالا برگ در سازمان برنامه و بودجه، طرح افزایش اعتبار کالا برگ اجرایی و آغاز خواهد شد. براساس وعده دولت، قرار است حدود ۴۴ میلیون نفر مشمول افزایش اعتبار شوند، اما هنوز رقم نهایی این افزایش اعلام نشده است. پیش‌تر افزایش ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومانی مطرح بوده و حتی رئیس کل بانک مرکزی از افزایش ۵۰ درصدی اعتبار یک میلیون تومانی کالا برگ خبر داده بود. به این ترتیب، وعده‌ای که قرار بود از دیروز وارد مرحله اجرا شود، فعلاً به روزهای آینده موکول شده و خانوارهای مشمول در مرحله نخست، اعتبار یک میلیون تومانی دریافت می‌کنند؛ در حالی که زمان دقیق و رقم افزایش همچنان در انتظار تصمیم نهایی درباره منابع مالی است.

خانوارهای دارای رقم پایانی ۷، ۸ و ۹ از پنج‌آبان‌ماه امکان استفاده از اعتبار مهرماه را خواهند داشت. همه خانوارها تا پایان آذرماه فرصت خواهند داشت نسبت به خرید اقلام مشمول کالا برگ مهرماه اقدام کنند. در همین حال، یعقوب اندایش، معاون رفاه و امور اقتصادی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، درباره سرنوشت افزایش اعتبار کالا برگ توضیح داده و صراحتاً اعلام کرد که تیم اقتصادی دولت هنوز درباره مبلغ افزایش و تعداد دقیق مشمولان به توافق نهایی نرسیده است. اندایش گفت: همه تلاش دولت این است که شرایط بهره‌مندی تعداد بیشتری از هموطنان را مهیا کند و دربارۀ مهم‌ترین مانع اجرای وعده دولت اظهار داشت: یکی از چالش‌های اصلی اجرای این طرح، تأمین منابع پایدار است بنابراین

نوبنیاد افزایش جدید قیمت خودرو را بررسی کرد؛

افسار خودرو در دست کیست؟

بازار خودرو در سال جاری با معادله عجیبی مواجه شده است؛ قیمت‌ها با سرعت بالا می‌روند، اما تولید و فروش خودروسازان کاهش یافته است. در چنین شرایطی، مردم به عنوان مصرف‌کننده نه‌تنها با خودروهای گران‌تر روبه‌رو هستند، بلکه برای محصولی که عرضه آن کمتر شده است، باید هزینه بیشتری نیز بپردازند. اما واقعاً افسار صنعت و بازار خودرو در دستان چه کسی است؟ دولت، خودروساز و نهادهای تنظیم‌گر در این ماجرا چه نقشی دارند و چرا کسی به مردم پاسخگو نیست؟

مشکل اصلی اینجاست که مصرف‌کننده افزایش قیمت را به‌صورت مستقیم می‌بیند، اما اثر افزایش کیفیت را کمتر احساس می‌کند. اگر یک خودرو به دلیل تغییر استاندارد، تجهیزات جدید، تغییر قطعه یا افزایش هزینه‌های خاص گران می‌شود، انتظار طبیعی این است که قیمت افزایش یافته با ارتقای محسوس کیفیت، ایمنی، امکانات و خدمات پس از فروش همراه باشد. اما در بازار ایران فاصله میان این دو موضوع همچنان زیاد است، به‌طوری‌که خودرو گران می‌شود، اما کیفیت لزوماً با همان سرعت افزایش نمی‌یابد. قیمت کارخانه‌ای بالا می‌رود، اما مصرف‌کننده همچنان با مشکلات کیفیت، خدمات پس از فروش، تأخیر در تحویل و هزینه بالای نگهداری مواجه است.

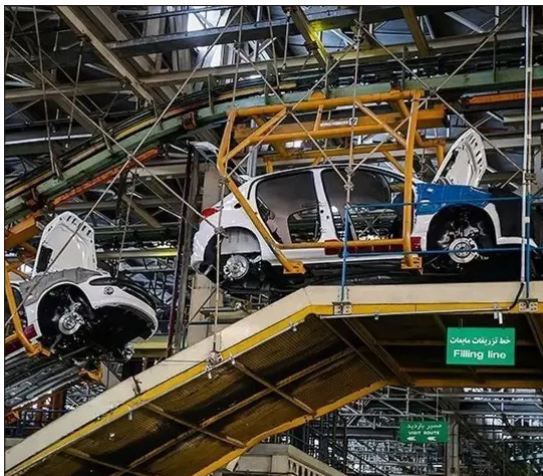
وزارت صمت و سازمان حمایت کجای ماجرا هستند؟ یکی از پرسش‌های مهم در افزایش‌های اخیر این است که چه میزان از این افزایش‌ها پیش از اعلام عمومی، فرایند قانونی وزارت صنعت، معدن و تجارت و سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان را طی کرده است. این همان نقطه‌ای است که سیاست‌گذار باید وارد شود و برای افکار عمومی توضیح دهد قیمت جدید دقیقاً براساس چه فرمولی تعیین شده و سهم هر عامل در آن چقدر بوده است. اگر افزایش قیمت قانونی است، انتشار مستندات آن نباید دشوار باشد. با این حال، خصوصی‌سازی زمانی می‌تواند برای اقتصاد و مردم مفید باشد که بخش خصوصی با مدیریت بهتر، هزینه‌ها را کاهش دهد، بهره‌وری را بالا ببرد و تولید را افزایش دهد. اما اگر خصوصی‌سازی تنها به این معنا باشد که خودروساز سریع‌تر بتواند هزینه‌های خود را به مصرف‌کننده منتقل کند، فلسفه این واگذاری برای مردم محل سؤال خواهد بود. ایران خودرو اکنون در شرایطی قیمت محصولات خود را افزایش می‌دهد که آمار نیمه نخست سال از کاهش ۲۴ درصدی فروش این شرکت حکایت دارد.

خصوصی‌سازی ایران خودرو باید با یک سؤال ساده سنجیده شود: آیا مردم پس از واگذاری مدیریت، خودرویی با کیفیت‌تر، تولید بیشتر و قیمت منطقی‌تر دریافت کرده‌اند یا فقط با فهرست‌های جدید قیمت مواجه شده‌اند؟ اکنون نزدیک به ۲۰ ماه از انتقال مدیریت ایران خودرو به بخش خصوصی (کروز) می‌گذرد و قیمت کارخانه‌ای خودروها طی این مدت سه برابر شده است. اگر قرار است افسار خودرو در دست بخش خصوصی باشد، باید در کنار اختیار قیمت‌گذاری، پاسخگویی درباره کیفیت، تولید و عرضه نیز وجود داشته باشد. اگر قرار است سازمان حمایت افسار قیمت را در دست داشته باشد، باید فرایند تأیید قیمت‌ها برای مردم کاملاً شفاف باشد.

کاهش یابد، فشار بیشتری به بازار وارد می‌شود. با این حال، کاهش تولید و فروش یک پرسش جدی را ایجاد می‌کند: اگر قیمت‌ها برای جبران افزایش هزینه تولید بالا می‌روند، چرا نتیجه آن هنوز افزایش پایدار تولید و عرضه نیست؟

ایران خودرو باز هم گران کرد

پرونده ایران خودرو از بهمن ۱۴۰۳ اهمیت بیشتری پیدا کرد؛ زمانی که دولت چهاردهم مدیریت این شرکت را به بخش خصوصی (کروز و شرکا) سپرد. خصوصی‌سازی قرار بود به معنای تغییر در مدیریت، افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه‌ها، رشد تولید، رقابت‌پذیری و در نهایت بهبود شرایط مصرف‌کننده باشد، اما در سمت قیمت، اتفاق دیگری در حال رخ دادن است. از سال گذشته تاکنون، پنج بار افزایش قیمت کارخانه‌ای محصولات ایران خودرو رخ داده است. تا قبل از افزایش کنونی (مهرماه)، در مجموع قیمت کارخانه‌ای محصولات ایران خودرو به‌طور میانگین ۱۷۰ درصد افزایش یافته بود. در شهریور امسال نیز افزایش قیمت به دلیل تغییر هزینه گواهی اسقاط و الزامات شماره‌گذاری اعمال شده بود. ماجرای گران‌سازی محصولات ایران خودرو با مدیریت بخش خصوصی (کروز) در مهرماه هم ادامه پیدا کرد، به‌طوری‌که بررسی‌های جدید قیمت ۹۲ محصول ایران خودرو نشان می‌دهد قیمت مصرف‌کننده تمام خودروهای موجود در این فهرست نسبت به شهریور افزایش یافته است. میزان افزایش قیمت‌ها از حدود ۴۲.۸ میلیون تومان تا ۲۴۹.۱۱ میلیون تومان بوده است. آریسان ۲ بیشترین جهش را ثبت کرد. نسخه دوگانه‌سوز این وانت با حدود ۱۹۵ میلیون تومان افزایش، به افزایش گران‌ترین تغییر در این لیست است و قیمتش از یک میلیارد و ۵۷۲ میلیون به یک میلیارد و ۸۲۱ میلیون تومان رسیده است. پژو ۲۰۷ TU۳ در رتبه دوم افزایش قیمت است. این خودرو ۲۳۸ میلیون تومان گران‌تر شده و از یک میلیارد و ۵۲۰ میلیون به یک میلیارد و ۷۴۰ میلیون تومان رسیده است. سورن پلاس XU7P با حدود ۱۹۵ میلیون تومان افزایش، به قیمت یک میلیارد و ۷۲۵ میلیون تومان رسیده است. افزایش نسخه دوگانه‌سوز ۷۵ لیتری آن حدود ۱۲۳ میلیون تومان است. دنا پلاس هم گران شده است؛ نسخه رینگ آلومینیومی حدود ۱۱۲ میلیون تومان افزایش یافته و به بالای ۲ میلیارد و ۱۲۳ میلیون تومان رسیده است. نسخه رینگ فولادی حدود ۹۲ میلیون تومان گران‌تر شده و ۲ میلیارد و ۸۲۰ میلیون تومان قیمت دارد. کمترین افزایش به‌دو نسخه پژو ۲۰۷ مجهز به پانوراما و سقف فلزی تعلق دارد که هر دو فقط حدود ۴۲ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان گران شده‌اند.



نیما سهیلی

روزنامه‌نگار

تازه‌ترین آمار مرکز آمار ایران از وضعیت تورم، ابعاد افزایش قیمت خودرو را به خوبی نشان می‌دهد. تورم نقطه به نقطه خرید وسایل نقلیه (خودرو) به ۱۳۵.۷ درصد رسیده است؛ یعنی سطح قیمت این بخش نسبت به ماه مشابه سال قبل بیش از دو برابر شده است. تورم ماهانه خرید وسایل نقلیه نیز ۱۱.۴ درصد و تورم سالانه آن ۸۸.۶ درصد بوده است. این ارقام زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که بدانیم تورم نقطه به نقطه کل کشور ۸۹.۸ درصد بوده است؛ یعنی قیمت خودرو و وسایل نقلیه حتی از تورم عمومی نیز فاصله گرفته‌اند. قیمت‌ها در بازار آزاد نیز روایت مشابهی دارند. خودروهای پرتقاضای داخلی از ابتدای سال تاکنون رشد قابل توجهی را تجربه کرده‌اند. در نیمه نخست امسال نسبت به مدت مشابه سال میلادی ۲۰۷، دنا و تارا، رشد قیمت در برخی مدل‌ها به حدود ۸۰ درصد رسیده و در بعضی خودروها فاصله قیمت ابتدای سال با نرخ‌های مهرماه به بیش از ۵۰ درصد رسیده است. برای نمونه، تارا اتوماتیک V4 که در ابتدای سال در محدوده حدود دو میلیارد تومان معامله می‌شد، در مهرماه به محدوده ۳ میلیارد و ۶۵۰ میلیون تومان و دنا پلاس اتومات نیز از محدوده حدود ۱.۸ تا ۱.۸ میلیارد تومان در ابتدای سال، به بیش از ۳.۵ میلیارد تومان رسیده است. هرچند تمام این افزایش‌ها نمی‌توان به خودروسازان نسبت داد، زیرا بازار خودرو در چند هفته اخیر به شدت تحت تأثیر نرخ ارز قرار گرفته و قیمت‌ها به دلیل جهش نرخ دلار، افزایش پیدا کرده‌اند.

وقتی عرضه آب رفت

افزایش قیمت خودرو در بازار در حالی رخ داد که در طرف دیگر معادله، عرضه قرار دارد؛ جایی که آمار چندان امیدوارکننده نیست. فروش سه خودروساز بزرگ کشور یعنی ایران خودرو، سایپا و پارس خودرو در نیمه نخست امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۲۹.۳ درصد کاهش یافته و به ۲۷۰ هزار و ۷۴۴ دستگاه رسیده است. تولید این سه شرکت نیز ۳۱ درصد کاهش داشته و ۲۸۰ هزار و ۲۷۷ دستگاه خودرو تولید کرده‌اند. افت فروش ایران خودرو ۲۴ درصد، سایپا ۲۳ درصد و پارس خودرو ۶۰.۴ درصد بوده است. در همین مدت، فروش هیما ۷۵.۵ درصد و Q200 پارس خودرو نیز ۷۰.۴ درصد کاهش داشته‌اند. این یعنی بازار خودرو همزمان با دوشوک ارزی و عرضه مواجه بوده است. هرچه نرخ ارز بالاتر می‌رود، هزینه تولید و انتظارات تورمی افزایش می‌یابد و هرچه عرضه

تالار شیشه‌ای

رکوردشکنی بورس با فتح کانال ۸ میلیون واحدی

بازار سهام در آخرین روز معاملاتی هفته (دیروز، چهارشنبه ۱۵ مهر ۱۴۰۵) با قدرت تقاضا و برتری نمادهای سبزیپوش آغاز شد و این روند تا پایان معاملات ادامه یافت و شاخص کل بورس تهران برای نخستین بار قله ۸ میلیون واحد را فتح کرد. معاملات دیروز از همان دقایق نخست با برتری خریداران همراه بود و ۹۴ درصد نمادها در محدوده مثبت قرار گرفتند. اگرچه در میانه بازار موجی از عرضه شکل گرفت و شاخص کل بخشی از رشد خود را از دست داد، اما با بازگشت خریداران، روند صعودی بازار دوباره تقویت شد. در پایان معاملات ۷۱۷ نماد مثبت و تنها ۱۳۸ نماد منفی بودند. همچنین ۴۵۸ صف خرید در برابر ۲۶ صف فروش شکل گرفت که نشان‌دهنده برتری محسوس تقاضا بر عرضه بود.

شاخص کل بورس تهران با رشد ۱۵۳ هزار و ۹۱۹ واحدی (۱.۹۳ درصد) در ارتفاع ۸ میلیون و ۱۳۱ هزار و ۹۱ واحد قرار گرفت و رکورد تاریخی جدیدی را ثبت کرد. شاخص هم‌وزن نیز با رشد ۳۶ هزار و ۴۷۲ واحدی، (۱.۷۳ درصد) به ۲ میلیون و ۱۵۰ هزار و ۴۳۷ واحد رسید. شاخص کل فرابورس ایران نیز با ۱۱۰۹ واحد (۱.۷۵ درصد) افزایش در محدوده ۶۴ هزار و ۴۴۸ واحد ایستاد. در بخش صنایع نیز ۳۶ صنعت از ۴۱ صنعت بررسی شده در هفته صعودی بودند و میانگین رشد شاخص صنایع به ۵ درصد رسید. صنعت زغال‌سنگ با رشد ۱۵.۹ درصدی در صدر قرار گرفت و ۲۳ شاخص صنعت نیز سقف تاریخی خود را ارتقا دادند.

دیروز حقیقی‌ها ۴۶۸۸ میلیارد تومان پول وارد چرخه سهام و صندوق‌های سهامی کردند. در مقابل ۲۲۸۱ میلیارد تومان پول از صندوق‌های درآمد ثابت خارج شد که می‌تواند نشانه‌ای از انتقال بخشی از نقدینگی به سمت بازار سهام باشد. ارزش معاملات خرد سهام و صندوق‌های سهامی نیز ۴۱ هزار و ۱۹۶ میلیارد تومان و ارزش کل معاملات بازار ۷۱ هزار میلیارد تومان بود. ارزش بازار سهام نیز به ۲۷ هزار و ۵۱۱ میلیارد تومان رسید. در مجموع، شاخص کل بورس در هفته جاری ۴.۷ درصد رشد کرد و به ۸ میلیون و ۱۳۱ هزار واحد رسید. ارزش دلاری بازار نیز با رشد ۱.۲ درصدی به حدود ۱۰۱ میلیارد دلار افزایش یافت. میانگین ارزش معاملات خرد هفتگی نیز ۴۴ هزار و ۹۴۷ میلیارد تومان بود که نسبت به میانگین سال جاری، رشد ۸۸ درصدی را نشان می‌دهد. مجموع این آمار نشان می‌دهد بورس هفته‌ای قدرتمند را پشت سر گذاشته است؛ با این حال، حفظ کانال ۸ میلیون واحدی نیازمند تدویم ورود نقدینگی، افزایش ارزش معاملات و حفظ برتری تقاضا در روزهای آینده خواهد بود.

وقتی دلار رکورد زد؛ کاهش یک ماهه نقدینگی دستاورد شد؛

دستاورد روی کاغذ، گرانی در سفره مردم

یک طرف ماجرا سخنان اخیر عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی است که از کاهش شتاب نقدینگی، کنترل بازار ارز و جلوگیری از وقوع ابرتورم سخن می‌گوید؛ و در طرف دیگر، آمارهایی قرار دارد که تصویر متفاوتی از عملکرد اقتصادی دولت مسعود پزشکیان ارائه می‌دهد: تورم نقطه‌به‌نقطه ۸۹.۸ درصدی، تورم سالانه ۷۳.۶ درصدی، رشد اقتصادی منفی ۱۰.۱ درصدی در



هادی هدایت زاده

روزنامه‌نگار

یک مقطع کاهش باید، اما کنترل تورم به معنای جلوگیری از افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و بازگرداندن ثبات به اقتصاد است، نه صرفاً پایین آمدن رشد نقدینگی در یک ماه.

از رشد مثبت تا سقوط ۱۰ درصدی

در زمان آغاز دولت چهاردهم، اقتصاد ایران در مسیر رشد مثبت قرار داشت. طبق آمار بانک مرکزی، رشد اقتصادی سال ۱۴۰۳ در مجموع ۳.۱ درصد و رشد بدون نفت ۳ درصد ثبت شد؛ این رقم در سال ۱۴۰۲ حدود ۵ درصد بود. حتی در بهار ۱۴۰۳، پیش از استقرار کامل دولت چهاردهم، مرکز آمار رشد اقتصادی ۴.۶ درصد با نفت و ۲.۸ درصد بدون نفت را گزارش کرده بود. اما اکنون تصویر کاملاً متفاوت است. مرکز آمار برای بهار امسال، رشد اقتصادی منفی ۱۰.۱ درصد با نفت و منفی ۴.۶ درصد بدون نفت را اعلام کرده است. در این فصل، گروه «صنایع و معادن» ۱۴.۷ درصد و «خدمات» ۴.۸ درصد کاهش داشته‌اند. البته جنگ و تبعات آن بدون تردید بر تولید، تجارت، سرمایه‌گذاری و نفت اثر گذاشته است؛ اما دقیقاً به همین دلیل است که دولت باید بگوید پیش از جنگ، چه سیاستی برای اقتصاد در نظر گرفته بود و چرا اقتصاد در برابر شوک‌ها تا این اندازه آسیب‌پذیر شد.

دلار از ۵۸ هزار تومان تا ۲۷۰ هزار تومان

بازار ارز نیز شاید روشن‌ترین تصویر از کاهش قدرت پول ملی باشد. در ابتدای دولت چهاردهم، دلار آزاد در محدوده ۵۸ هزار تومان قرار داشت؛ اکنون دلار در بازار آزاد به محدوده ۲۶۸ تا ۲۷۰ هزار تومان رسیده و حتی در روزهای اخیر سقف‌های بالاتر از ۲۷۰ هزار تومان نیز ثبت شده است؛ هرچند بعد از این جهش، در روز گذشته قیمت دلار افت کرد و به حدود ۲۶۲ هزار تومان رسید. با این حال، نمی‌توان افزایش ۴.۵ برابری نرخ ارز را نادیده گرفت و صرفاً گفت انتظارات تورمی و نقشه دشمن عامل آن بوده است، جنگ قطعاً انتظارات تورمی را افزایش می‌دهد، اما انتظارات تورمی خود معلول مجموعه‌ای از سیاست‌هاست. وقتی نقدینگی با سرعت بالا رشد می‌کند، تورم افزایش می‌یابد، کسری‌ها پابرجا می‌ماند و نرخ‌های رسمی ارز به‌صورت

بهار امسال و نرخ دلار آزاد که در این کارنامه، نزدیک به ۲۷۰ هزار تومان ثبت شده است. در چنین شرایطی، مسئله تنها اختلاف بر سر تفسیر چند عدد اقتصادی نیست؛ پرسش اصلی این است که دولت چهاردهم چه اقتصادی را تحویل گرفت و امروز پس از گذشت بیش از دو سال، این اقتصاد در چه نقطه‌ای ایستاده است؟

معامله پرابهام

بانک مرکزی؛ ارزان خرید، گران فروخت!

عبدالناصر همتی، با بیان اینکه برای نرخ ارز کف‌سازی نمی‌کنیم، گفت: من آدم ناشی نیستم؛ سه بار در همین دوره ترامپ تجربه کردم و در قله نرخ ارز، با همان نرخ بازار، ارز فروختم و نرخ به‌شدت کاهش یافت. او با اشاره به

تجربه خود در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ اظهار کرد: در مهرماه ۱۳۹۷ قیمت ارز در بازار به ۲۰ هزار تومان رسیده بود، ما مداخله کردیم و دلار را به نرخ ۱۹ هزار و ۵۰۰ تومان فروختیم و بلافاصله دلار به ۱۱ هزار تومان کاهش پیدا کرد. این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که در ماه‌های گذشته، همتی از افزایش ۴ میلیارد دلاری ذخایر بانک مرکزی در ایام جنگ رمضان و روزهای نخست سال جاری سخن گفته بود؛ دوره‌ای که نرخ دلار

در محدوده ۱۵۵ هزار تومان قرار داشت. اکنون با عبور نرخ دلار از ۲۶۰ هزار تومان، بانک مرکزی از عرضه ۲ میلیارد دلار به مردم سخن می‌گوید. رسول بخشی دستجردی، نماینده مجلس و عضو ناظر شورای عالی بانک مرکزی، می‌گوید: ارزهایی که بانک مرکزی پس از عید امسال از بازار خریداری کرد، اکنون با قیمت بالاتر فروخته می‌شود تا برای تأمین مالی برخی پروژه‌های دولت، از جمله کالابریگ، درآمد ایجاد شود.

مجتبی شجاعتی ثمرین، کارشناس مسائل حقوقی، نیز با اشاره به ثبات دلار در کانال ۱۷۰ تا ۱۸۰ هزار تومان در دوره جنگ و پس از آن، گفت: جهش نرخ ارز دقیقاً از اظهارات همتی در شب ۲۸ مرداد آغاز شد. او در آن شب به دروغ گفت که صادرات نفت متوقف شده است. چرا بانک مرکزی همچنان بر سیاست ارزپاشی برای کنترل بازار اصرار دارد، در حالی که این سیاست در سال‌های گذشته نتیجه مطلوبی نداشته است؟

یادداشت

زمین هست، اراده واگذاری کجاست؟

جعفر قادری

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس

اگرچه نمایندگان مجلس در جلسه اخیر خود از توضیحات وزیر راه و شهرسازی درباره تأمین زمین قانع شدند، اما قانع شدن از پاسخ وزیر به معنای پایان یافتن مسئله نیست. واقعیت این است که عملکرد دولت در واگذاری زمین برای اجرای قانون «جوانی جمعیت» و «طرح نهضت ملی مسکن»، همچنان با اهداف و تکالیف قانونی فاصله دارد و نیازمند یک آسیب‌شناسی جدی است. سؤال نخست این است: اگر دولت منابع مالی کافی برای تسهیلات بانکی، با جدیت دنبال نمی‌شود؟ مسئله مهم‌تر، تناقض موجود در سیاست زمین است. از یک سو، برای واگذاری زمین جهت تأمین مسکن مردم، محدودیت‌ها و بروکراسی‌های متعددی ایجاد می‌شود و از سوی دیگر، شاهد تغییر کاربری گسترده

اراضی کشاورزی، حتی در برخی مناطق دارای اراضی حاصلخیز هستیم. اگر تغییر کاربری اراضی کلاس یک و دو ممنوع یا محدود است، این تغییر کاربری‌ها با چه مجوزی انجام می‌شود؟ و اگر قانون در مواردی اجازه داده است، چرا همان ظرفیت قانونی برای تأمین زمین مسکن مردم به‌کار گرفته نمی‌شود؟ مجلس باید درباره میزان و کیفیت این تغییر کاربری‌ها و مجوزهای صادرشده، گزارش شفاف مطالبه کند. از سوی دیگر، این حجم از تمرکزگرایی در شورای عالی شهرسازی و معماری کشور نیز نیازمند بازنگری است؛ چرا تصمیماتی که می‌تواند در سطح استان و با رعایت ضوابط ملی اتخاذ شود، باید در مسیر طولانی و فرسایشی تصمیم‌گیری‌های متمرکز قرار گیرد؟ به این مسئله، بروکراسی دبیرخانه شورای آمایش سرزمین نیز اضافه شده است؛ به گونه‌ای که در فرآیند الحاق اراضی به محدوده شهرها، علاوه بر سازوکارهای قانونی مورد توجه شورای عالی شهرسازی، مسیرهای دیگری نیز ایجاد شده است. نتیجه چنین فرآیندی، افزایش زمان، هزینه و بلا تکلیفی مردم و سرمایه‌گذاران است. آیا این میزان از تمرکز و بروکراسی واقعاً ضرورت دارد یا حاصل انباشت مقررات و ترس از تصمیم‌گیری است؟ اگر در شهرهای بزرگ محدودیت تأمین زمین وجود دارد، تکلیف شهرهای کوچک و روستاها چیست؟ چرا ظرفیت‌های قانونی موجود برای واگذاری زمین در این مناطق به‌طور کامل فعال نمی‌شود؟ کشور ممکن است با تحریم و محدودیت منابع مواجه باشد، اما واگذاری زمین چه ارتباطی با تحریم دارد؟ وقتی زمین در اختیار دولت است، چرا فرآیند واگذاری آن باید سال‌ها طول بکشد؟ از طرف دیگر، اگر دولت توان با منابع لازم برای ایجاد شهرهای جدید را ندارد، چرا زمینه حضور بخش غیردولتی در ایجاد «شهرهای جدید غیردولتی» را فراهم نمی‌کند؟ دولت می‌تواند سیاست‌گذار، ناظر و تنظیم‌گر باشد و اجرای پروژه را به بخش خصوصی و غیردولتی بسپارد. نکته نگران‌کننده دیگر، نبود سازوکار شفاف برای ورود اراضی زراعی به محدوده روستاهاست. وقتی مسیر قانونی و شفاف محدود باشد، آیا نباید نگران شکل‌گیری مسیرهای غیرشفاف و رانت برای برخی افراد و دستگاه‌ها بود؟ شفافیت و قانونمند کردن مسیر، بهترین راه مقابله با رانت است، نه بستن کامل مسیر قانونی.

مسئله امروز فقط «کمبود زمین» نیست؛ مسئله اصلی، نحوه حکمرانی بر زمین است. اگر زمین هست اما مردم نمی‌توانند به‌موقع و شفاف به آن دسترسی پیدا کنند، مشکل در کمبود زمین نیست؛ مشکل در فرآیند تصمیم‌گیری، تأمین زیرساخت، تمرکزگرایی و بروکراسی است. مجلس نباید صرفاً به شنیدن پاسخ دستگاه‌ها اکتفا کند، بلکه باید اجرای واقعی تکالیف قانونی در حوزه زمین، جوانی جمعیت، مسکن و توسعه روستایی را به‌صورت مستمر پایش کند. مردم برای خانه‌دار شدن، بیش از وعده، به زمین، قانون روشن، فرآیند کوتاه و دستگاه اجرایی پاسخگو نیاز دارند.

یادداشت

حقیقت جنگ پشت دیوارهای العدید

علیرضا امیدوار
روزنامه‌نگار

گزارش رویترز از اظهارات کریس مورفی، سناتور دموکرات ایالت کنتیکت، درباره ممانعت وزارت دفاع آمریکا از دسترسی او به پایگاه هوایی العدید در قطر، بار دیگر مسئله نظارت کنگره بر عملکرد دولت آمریکا در جنگ ایران را مطرح کرده است. مورفی می‌گوید پنتاگون نه تنها اجازه بازدید او از این پایگاه مهم نظامی را نداده، بلکه از برگزاری جلسه توجیهی درباره جنگ نیز خودداری کرده است.

پایگاه العدید بزرگ‌ترین پایگاه نظامی آمریکا در منطقه است و در جریان جنگی که آمریکا و رژیم صهیونیستی در ماه فوریه علیه ایران آغاز کردند، چندین بار هدف حملات ایران قرار گرفته است. بنابراین، خودداری وزارت دفاع آمریکا از همراهی با یک عضو کمیته روابط خارجی سنا برای بازدید از این پایگاه، موضوعی نیست که بتوان به‌سادگی از کنار آن گذشت. به‌ویژه آنکه این سناتور می‌گوید هدفش بررسی آثار جنگ و خسارت‌های واردشده به تأسیسات آمریکا بوده است.

مورفی پس از سفر به منطقه در ریاض گفت این سفر برای او این تصور را ایجاد کرده که تلاش گسترده و بی‌سابقه‌ای برای پنهان کردن هزینه‌ها و پیامدهای جنگ از کنگره و مردم آمریکا در جریان است. او این اقدام را «غیرقانونی و بی‌سابقه» توصیف کرد و گفت در دوران حضورش در سنا با چنین وضعیتی روبه‌رو نشده است.

این اظهارات در شرایطی مطرح می‌شود که شماری از اعضای کنگره آمریکا، از جمله برخی جمهوری‌خواهان نزدیک به دونالد ترامپ، خواستار دریافت اطلاعات بیشتری درباره هزینه جنگ، راهبرد نظامی دولت و تلفات آن هستند. اگر عملکرد آمریکا در این جنگ مطابق ادعاهای رسمی پیش رفته و هزینه‌ها و پیامدهای آن قابل دفاع است، چرا دسترسی نمایندگان کنگره به اطلاعات و مراکز نظامی با محدودیت مواجه می‌شود؟ البته پنتاگون روایت دیگری دارد. یک مقام ارشد وزارت دفاع آمریکا گفته است دفتر مورفی پیش از سفر در جریان قرار گرفته بود که وزارت دفاع از دسترسی او به پایگاه حمایت نخواهد کرد و این تصمیم مطابق دستورالعمل سوم مارس ۲۰۲۶ پیت هگست، وزیر دفاع آمریکا، درباره محدودیت سفر به منطقه اتخاذ شده است.

مورفی اما می‌گوید پنتاگون حتی حاضر نشده برای او جلسه توجیهی درباره جنگ برگزار کند و این مسئله را بخشی از یک روند عمدی برای مبهم نگه داشتن اطلاعات می‌داند.

بسیار واضح است که سطح تخریب تاجایی بوده است که حتی در اثنای جنگ نیز بلافاصله پس از حملات ایران، موضوع خسارت‌ها، میزان آسیب به پایگاه‌های آمریکایی و جزئیات حملات با محدودیت شدید خبری و اطلاعاتی مواجه می‌شد. گزارش‌های اخیر نیز از افزایش محدودیت دسترسی به برخی اطلاعات داخلی پنتاگون درباره جنگ ایران حکایت دارد و هم‌زمان، شماری از نمایندگان کنگره خواستار شفاف‌سازی درباره هزینه‌ها، تلفات و عملکرد نظامی آمریکا شده‌اند.

خالد قدومی، نماینده جنبش حماس در گفتگو با نوبنیاد مطرح کرد:

طوفان هنوز تمام نشده است

به مناسبت سالروز عملیات تاریخی «طوفان الاقصی» و با گذشت چند سال از این رویداد سرنوشت‌ساز، روزنامه نوبنیاد در گفت‌وگویی با خالد قدومی نماینده جنبش حماس در ایران، ابعاد و پیامدهای این عملیات، وضعیت کنونی جنبش حماس، تحولات غزه و آینده معادلات منطقه را مورد بررسی قرار داده است. در این گفت‌وگو، خالد قدومی با تشریح ابعاد مختلف تحولات پس از هفتم اکتبر، به ارزیابی دستاوردها و پیامدهای طوفان الاقصی و همچنین چشم‌انداز تحولات فلسطین و رژیم صهیونیستی پرداخته است.

حسین نیک‌سرشت
روزنامه‌نگار

اسرائیلی که در یک مکان نگهداری می‌کردیم، از جمله دستاوردهای مهم بود. به‌گونه‌ای که حتی آمریکا و کل جهان نتوانستند بدانند ما این اسرا را کجا پنهان کرده‌ایم. در نهایت نیز حتی یک اسیر اسرائیلی را نتوانستند بدون مذاکره و بدون مذاکرات پشت میز، آزاد کنند.

موفقیت دیگر ما، تغییر روایت جهانی است. امروز جهانیان، اسرائیل را یک بار اخلاقی محسوب می‌کنند. اسرائیل را به عنوان یک رژیم منفور و مطرود می‌شناسند. ما دیدیم که در جریان سخنرانی نتانیاهوی مجرم در سازمان ملل، بیش از ۷۷ نماینده از کشورهای مختلف از سالن خارج شدند.

اسرائیل امروز حتی آمریکا را از دست داده و اروپا را نیز از دست داده است. اسرائیل امروز درگیر یک بحران جدی است. شما نمی‌توانید بگویید یک ارتش نظامی کلاسیک که با کمک‌های مالی، مادی و نظامی آمریکا فعالیت می‌کند، به سمت کشتار و نسل‌کشی رفته است. این مسئله نشان‌دهنده یک بحران جدی است. ژنرال‌های هفتم اکتبر که علیه جامعه ما مرتکب جنایت شدند، امروز جایگاه سیاسی و نظامی خود را ندارند و به سطل زباله تاریخ رفته‌اند.

حتی امروز با یک چالش جدی انتخاباتی در انتخابات آینده روبه‌رو هستند. این را می‌توان از دستاوردهای ارزشمند طوفان مبارک اکتبر دانست. امروز مسئله فلسطین به اولویت جهانیان تبدیل شده است. مسئله‌ای که فراموش شده بود، بار دیگر به مسئله فلسطین تبدیل شد و فلسطین امروز مسئله اول است.

حماس امروز تا چه اندازه قدرت کنشگری سیاسی و میدانی دارد؟ آیا حماس می‌تواند در تحولات آینده غزه و شکل‌گیری معادلات سیاسی و امنیتی این منطقه نقش فعالی ایفا کند؟

اکنون آمریکایی‌ها و میانجی‌ها با چه کسی صحبت می‌کنند؟ با حماس. این فی‌نفسه دلیل قدرت عملیاتی، سیاسی و نظامی حماس و نشان‌دهنده نقش جدی حماس در عرصه سیاسی فلسطین است.

مشروح این گزارش به شرح زیر است:
با توجه به گذشت چند سال از عملیات هفتم اکتبر و با در نظر گرفتن هزینه‌ها و تبعات سیاسی، نظامی و انسانی که از این عملیات مطرح می‌شود، آیا دستاوردهای حاصل از طوفان الاقصی، ارزش پیامدها و هزینه‌های تحمیل‌شده را داشته است؟

این ارزیابی باید پس از پایان طوفان الاقصی و بررسی تبعات آن انجام شود. امروز ما در جنگ هستیم و طوفان الاقصی تاکنون به پایان نرسیده است. رژیم صهیونیستی علیرغم امضای تفاهم آتش‌بس، بیش از هزار و ۴۰۰ فلسطینی را از روز تفاهم و امضای آن شهید کرده است که ۳۶۰ کودک در بین این تعداد هستند.

بنابراین، اینکه آیا این اقدام درست بوده یا نادرست، باید ابتدا اجازه دهیم این مسئله به پایان برسد و پس از آن، در چارچوب علمی و سیاسی درباره آن ارزیابی کنیم. اما در حال حاضر باید درباره دستاوردهایی که به دست آورده‌ایم صحبت کنیم. نخست اینکه امروز توانسته‌ایم برای جهان ثابت کنیم که ما فلسطینی‌ها و هر انسان آزاده، صاحب حق، صاحب ایمان و عدالت، می‌تواند با ایمان راسخ و با تکیه بر حقانیت و عدالت آرمان خود، در برابر دشمن ایستادگی کند.

جنایت‌های رژیم صهیونیستی آن هم با حمایت کامل آمریکا که طی ۷۵ سال ادامه داشته، تا امروز متوقف نشده است. بنابراین، واکنش ما پس از فلج شدن راه حل‌های سیاسی، طوفان بود. ببینید، شما نمی‌توانید یک جامعه را توهین و تحقیر کنید، نمی‌توانید کودکان ما را به قتل برسانید و نمی‌توانید خانه‌های ما را ویران کنید و سپس بگویید که شما قیام نکنید. این داستان پیش از هفتم اکتبر نیز اتفاق افتاده بود. بنابراین، ما به سراغ دفاع از خودمان رفتیم.

موفقیت مجاهدان مادر عبور و نفوذ از دیوارهای الکترونیکی میلیاردری اسرائیل و رسیدن به مناطق اشغالی فلسطین و اسارت اسرائیلی‌ها و ره‌آوردن اسیران

بنابراین، مسئله کنشگری فعال، که به عبارت دیگر تعبیر مهم و توصیف مهم وضعیت کنونی جنبش ماست، یعنی ایستادگی مردم ما و همراهی جامعه ما با حماس و مقاومت فلسطینی، دلیل موفقیت این جنبش و این جریان است.

در نهایت، دشمن نتوانست حماس و مقاومت را مهار کند. دشمن نتوانست جامعه ما را از غزه کوچ دهد و خارج کند و دشمن ما تا به امروز نتوانسته است اهداف جنایتکارانه و اهداف قلدرمآبانه و گستاخانه خود را محقق کند.

در چارچوب علوم سیاسی و نظریات سیاسی، در نبرد میان نیروهای کلاسیک دولتی در مقابل نیروهای مجاهدین، یعنی در جنگ نامتقارن، پیروزی این است که رژیم کلاسیک نتوانسته است به اهداف خود دست پیدا کند.

امروز حماس به یک نبض خیابانی تبدیل شده است. رهبران حماس شهید شدند، اما در میدان و در میان جامعه خود بودند، نه در تونل‌ها فرار کردند و نه خانواده‌هایشان را رها کردند. پسران و خانواده‌های آنان قربانی شدند و خود رهبران حماس نیز به شهادت رسیدند.

بنابراین، از لحاظ آینده غزه، حماس یک عنصر بنیادین و مهم در صحنه سیاسی فلسطین است. ما تاکنون مسئولیت بزرگی بر عهده گرفته‌ایم و راه ما هنوز به پایان نرسیده است. ان‌شاءاً ادامه خواهیم داد تا آزادی کل فلسطین و تحقق اراده جامعه ما برای پس گرفتن حقوق خود.

تحولات منطقه از هفتم اکتبر به بعد وارد مرحله‌ای از تقابل‌های جدی و اقدامات تهاجمی رژیم صهیونیستی علیه کشورهای مختلف شده است. با توجه به تداوم این روند، آینده این تقابل‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید و چه عواملی می‌تواند به توقف اقدامات رژیم صهیونیستی و پایان این روند منجر شود؟

این سوال واقعاً بسیار مهم است چراکه این رژیم گستاخ، منفور و مطرود در سطح جهانی، امروز به دلیل عدم توازن، اشتباهات راهبردی و فلج شدن دکترین رهبرانش. که می‌گویند ما اصلاً فلسطینی‌ها را قبول نمی‌کنیم و فلسطینی‌ها حق وجود ندارند.

به دلیل موفقیت هفتم اکتبر، می‌توان گفت امروز رژیم صهیونیستی با نسل‌کشی، خونریزی و تعدی علیه مرزهای مستقل کشورهای دیگر فعالیت می‌کند و دلیل آن فقط و فقط حمایت آشکار آمریکا از این رژیم است. این رژیم اصلاً توانایی، پایان دادن به این جنگ را ندارد و توانایی دستیابی به یک موفقیت واضح را ندارد.

حتی در جنوب لبنان، آنها گفتند که تهدید حزب‌الله کار زدییم اما نگفتند که اکنون که اشغال کرده‌ایم، حضور دائمی خواهیم داشت. در غزه نیز تا به امروز مذاکرات را انجام می‌دهند، چراکه تاکنون نتوانسته‌اند ایده مقاومت را مهار کنند و نتوانسته‌اند اراده مردم ما را بشکنند.

بلکه برعکس، این مظلوم مقتدر فلسطینی، در چهارچوب محدودیت‌های گوناگون نظامی، اقتصادی و سیاسی، امروز ثابت کرده است که می‌تواند این رژیم جنایتکار را شکست دهد.

یادداشت

تحویل ایرانی‌ها
به اسرائیل؟!پدرام حسینی
روزنامه‌نگار

ما جرای تشکر عجیب سخنگوی وزارت خارجه از امارات برای آزادی تعدادی از اتباع ایرانی، تنها چند ساعت بعد با خبری تکان دهنده وارد مرحله‌ای تازه شد؛ خبری که اگر صحت آن تأیید شود، ابعاد ساده‌اندیشی در قبال ابوظبی را بیش از پیش آشکار می‌کند. در حالی که هنوز افکار عمومی درباره عملکرد امارات در جنگ، گمانه‌زنی‌ها در خصوص حمله مستقیم امارات به جزایر ایرانی و مواضع ضدایرانی ابوظبی پاسخ روشنی دریافت نکرده، ادعای تحویل چهار ایرانی بازداشت‌شده به رژیم صهیونیستی، زنگ خطر دیگری درباره سیاست خارجی منفعل در برابر این حکومت صهیونیستی عربی در خلیج فارس است.

«تابناک» به نقل از یک منبع آگاه مدعی شد چهار نفر از ایرانیانی که در امارات بازداشت بوده‌اند، «گزینش شده و تحویل رژیم صهیونیستی شده‌اند.» این منبع همچنین تأکید کرده است که به نظر می‌رسد اماراتی‌ها در حال یک خیانت جدی به ایران هستند. اگر این ادعا درست باشد، ماجرا دیگر صرفاً یک اختلاف دیپلماتیک یا رفتار غیردوستانه نیست؛ بلکه با پرونده‌ای مواجهیم که مستقیماً امنیت ملی ایران را هدف قرار می‌دهد و مستلزم پاسخ رسمی و شفاف وزارت خارجه است.

این ادعا در خلأ شکل نگرفته است. طی هفت ماه گذشته، مداخلات عجیب با ابوظبی، نگرانی و خشم ملت مبعوث شده ایران را درباره اولویت یافتن برخی ارتباطات شخصی و جناحی بر منافع ملی و خطر لابی‌امارات در میان اصلاح‌طلبان حاکم بر دولت افزایش داده است. امارات در جنگ ۳۹ روزه، مطابق گزارش‌ها و شواهد مطرح‌شده، علاوه بر پشتیبانی در عملیات مستقیم علیه ایران نیز نقش داشته و پس از جنگ نیز نه تنها از ادعاهای خود درباره جزایر سه‌گانه ایرانی عقب‌نشسته، بلکه برگشتاخی‌های خود افزوده است. با این حال، به جای مطالبه‌گری متناسب با این رفتارها، شاهد تکرار ادبیات تشکر و تمجید هستیم.

تلخ‌تر آنکه همزمان سه خلبان قهرمان ایرانی در بند نیروهای قطری هستند؛ کشوری که بارها نشان داده در بزنگاه‌های منطقه‌ای عملاً جانفدای آمریکا است. پرونده زندانیان ایرانی در کویت نیز بدون پیشرفت ملموس ادامه دارد. با این وجود، در دیدارها و رفتارهای دیپلماتیک اخیر، نشانه‌ای از موضع محکم و مطالبه‌گرانه برای تضمین جان خلبانان ایرانی در قطر دیده نمی‌شود.

سیاست خارجی اگر قرار است حافظ منافع ملت باشد، نباید با لبخند و تشکر از طرف مقابل آغاز شود و با خبر احتمال تحویل شهروندان ایرانی به دشمن صهیونیستی پایان یابد. ابوظبی باید بداند ایران در برابر رفتارهای خصمانه سکوت نمی‌کند و دستگاه دیپلماسی نیز باید به جای مدیریت افکار عمومی با ادبیات تشکر، پاسخ روشن و اقدام متناسب ارائه دهد. در سیاست خارجی، ساده‌اندیشی هزینه دارد؛ و هزینه آن را ملت ایران پرداخت می‌کند.

دو سال
مذاکره، سه
جنگ

استیضاح عراقچی فرصتی است تا مجلس نه فقط کارنامه یک وزیر، بلکه نتیجه دو سال سیاست خارجی دولت پزشکیان را بررسی کند؛ سیاستی که از مذاکره به جنگ، از جنگ به مذاکره و از وعده گشایش به تشدید فشار رسیده است. عراقچی در این دوسال نشان داد که نه درکی درست از دیپلماسی و مذاکره دارد، نه ترامپ را شناخته و نه شناختی از آمریکا دارد.

استیضاح عراقچی و تغییر رویکرد دستگاه دیپلماسی، پیام پایان حاکمیت تفکر برجامی را مخابره می‌کند

تبداد استیضاح عراقچی در مجلس

در دورانی پرآلتهاب است؛ از ترور شهید اسماعیل هنیه در نخستین روز دولت و شهادت سیدحسن نصرالله تا دو جنگ، تشدید فشارها، فعال شدن مکانیسم ماشه و ادامه مسیر پرهزینه مذاکره با آمریکا.

آغاز فرایند استیضاح سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه، می‌تواند مجلس را وارد یکی از مهم‌ترین آزمون‌های نظارتی خود در دو سال گذشته کند؛ آزمونی که موضوع آن فقط عملکرد یک وزیر نیست، بلکه بررسی کارنامه سیاست خارجی دولت پزشکیان

محسن فرهمند
روزنامه‌نگار

بعدی نشان می‌دهد مسئله صرفاً یک تعارف دیپلماتیک نبوده؛ بلکه نشانه‌ای از خطای محاسباتی درباره نقشه آمریکا و رژیم صهیونیستی بوده است.

روایت حسن قشقاوی، نماینده مجلس و سخنگوی اسبق وزارت خارجه، درباره مذاکرات پیش از جنگ ۱۲ روزه اوج ساده‌اندیشی دستگاه سیاست خارجه را نشان می‌دهد. او گفته بود در مذاکرات ژنو، ایران پیشنهاد همکاری اقتصادی ۵۰۰ میلیارد دلاری به شرکت‌های آمریکایی ارائه کرد تا وعده اقتصادی به کاسب بزرگی چون ترامپ، او را از جنگ منصرف کند.

جالب‌تر آنکه حمید قنبری معاون دیپلماسی اقتصادی عراقچی در بهمن ۱۴۰۴ نیز در نشست شورای کمیسیون‌های اتاق ایران گفته بود منافع مشترک در نفت و گاز، سرمایه‌گذاری معدنی و حتی خرید هواپیما در متن مذاکرات قرار دارد و برای پایداری توافق لازم است آمریکا نیز از حوزه‌های دارای بازده اقتصادی سریع بهره‌مند شود. اما نتیجه این دیدگاه به مذاکره، سپس جنگ؛ و دوباره مذاکره و سپس جنگ ختم شد!

در این میان، موضع عراقچی درباره احتمال ترور رهبر نیز از جمله مواردی است که نمی‌توان به سادگی از کنار آن گذشت. او در گفت‌وگویی با یک خبرنگار هندی، درباره احتمال ترور رهبری، با اشاره به اینکه مجلس خبرگان، رهبر جدید را انتخاب می‌کند، اظهار داشت که «هیچ اتفاقی نخواهد افتاد» این سخنان، آن هم در شرایطی که تهدیدهای علنی علیه عالی‌ترین مقام جمهوری اسلامی وجود داشت، از منظر محاسبات امنیتی و پیام‌بازدارندگی نیازمند بررسی جدی است.

وزیر استقبال از جنگ

در عرصه مذاکرات نیز کارنامه روشن است: سه دور مذاکره، سه مقطع منتهی به نبرد. عراقچی در حالی از پیشرفت مذاکرات سخن می‌گفت که آمریکا و اسرائیل در حال آماده‌سازی برای حمله بودند. حتی در میان دو جنگ، پس از حمله آمریکا و رژیم صهیونیستی به تأسیسات هسته‌ای ایران، دستگاه دیپلماسی به جای قرار دادن ایران در موضع طلبکار، کشور را در سایه مکانیسم ماشه در موضع بدهکار قرار داد. توافق قاهره با آژانس و تعامل با رافائل گروسی نیز

محمد رشیدی، عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی، از ثبت درخواست استیضاح وزیر امور خارجه، در سامانه مجلس خبر داده و گفته است این درخواست هنوز به هیئت رئیسه ارجاع نشده است. پیش از این نیز امیرحسین ثابتی، نماینده مردم تهران، از طرح استیضاح عراقچی خبر داده بود. اکنون با اعلام رسمی عضو هیئت رئیسه، پرونده استیضاح وارد مرحله‌ای شده که می‌تواند به یک نقطه عطف در ارزیابی عملکرد دستگاه دیپلماسی دولت پزشکیان تبدیل شود.

البته سابقه مواجهه قالیباف در مقام رئیس مجلس با طرح‌های استیضاح وزرا نشان می‌دهد که این مسیر الزام‌آسان نیست. با این حال استیضاح عراقچی می‌تواند فرصتی کم‌نظیر برای مرور بیش از دو سال عملکرد او به‌طور کلی سیاست خارجی دولت پزشکیان باشد؛ سیاستی که از همان نخستین روز با یک بحران بزرگ آغاز شد.

شکست در آزمون اول

در روز آغاز به کار دولت، شهید اسماعیل هنیه در تهران توسط رژیم صهیونیستی ترور شد. در همان نخستین آزمون سیاست خارجی، به جای آنکه پاسخ ایران به یک جنایت آشکار به عنوان یک اصل بازدارندگی دنبال شود، جریان برجامی حاکم بر دولت پزشکیان، عملاً بر مهار پاسخ و اعتماد به وعده آمریکا تأکید داشتند؛ روندی که در ادامه با انفجارهای تروریستی پیچ‌رها و سپس شهادت سید حسن نصرالله ششم مهرماه ادامه یافت.

مرد پالی‌های ضعف

یکی از مهم‌ترین محورهای انتقاد به عراقچی نیز مواضع سنجیده اوست. نمونه روشن آن یادداشت ۲۱ فروردین ۱۴۰۴ عراقچی در واشنگتن پست است که با وجود اطلاع‌آوا نامه‌تند و تهدیدآمیز ترامپ به رهبر شهید، نوشت که «اکنون فرصتی وجود دارد تا ایالات متحده سرانجام یک رئیس‌جمهور صلح‌داشته باشد». کنار هم گذاشتن این موضع با وقایع

یادداشت

روایتگری مسئله فلسطین را به هالیوود نوازیم

مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

سه سال از طوفان الاقصی گذشت. در این ۷۳۰ روز، غزه میدان زنده روایت‌های خون و حماسه بود، اما سینمای ایران کجای این میدان ایستاده است؟ در حالی که خاورمیانه در آتش و خون می‌سوزد، ویتترین سینمای داستانی ما در بهت و سکوت فرو رفته؛ گویی دوربین‌هایمان به خوابی سنگین رفته‌اند و تنها با اثری معدود همچون «سرزمین فرشته‌ها» چراغی سوسوزنان روشن نگه داشته‌اند.

نکته اینجاست که دشمن، لحظه‌ای درنگ نکرده است. ماشین رسانه‌ای هالیوود با شتابی مضاعف، روایت جعلی خود را فریم به فریم به افکار عمومی جهان دیکته می‌کند. آن‌ها با هزینه‌های کلان، تاریخ را جعل می‌کنند تا جلد را قربانی جلوه دهند. در برابر این هجمه تمام‌عیار، سینمای ایران با غیبت معنادارش، عملاً در حال واگذاری میدان است.

آیا نبود بودجه، فقدان فیلمنامه‌های قوی یا هراس از گیشه، توجیه‌گر این عقب‌نشینی راهبردی است؟ در حالی که سینماگران محصور در غزه، با پروژه‌هایی مثل «از صفر مطلق»، سنگر روایت را خالی نکرده‌اند، سینمای ایران با وجود پتانسیل‌های فنی و هنری، همچنان در حاشیه نظاره‌گراست. این سکوت، تنها یک خطای هنری نیست؛ یک شکست کلان در «جنگ روایت‌ها» ست.

اگر امروز قهرمانان غزه بر پرده سینماهای ما جان نگیرند، فردا نسل جدیدمان تاریخ را تنها از دریچه لنز فیلمسازان هالیوودی و صهیونیست خواهند آموخت. فلسطین، جغرافیا نیست؛ آرمانی است که هویت فرهنگی ما با آن گره خورده. سکوت امروز ما، تکمیل‌کننده پروژه تحریف دشمن است. زمان بهانه‌تراشی گذشته؛ حمایت از فیلمنامه‌های مقاومت، تعریف پروژه‌های مشترک با فیلمسازان فلسطینی و ثبت فریادِ مظلومیت مردم فلسطین، مطالبه‌ای حیاتی است. سینمای ایران باید پیش از آنکه دیر شود، به میدان بازگردد؛ چرا که نبرد اصلی در ذهن و قلب مخاطب جهانی جریان دارد و ما در حال باختن این سنگر هستیم.

گزارش نشست عصرانه شعر و روایت غزه

روایت به مثابه سلاح

مستندهایی از حماسه غزه آغاز شد. شرکت‌کنندگان در این محفل، با قرائت اشعار و داستان‌های خود، صلابت پولادین مردمی را ستودند که در ویرانه‌ها نیز سر خم نکرده‌اند. در این نشست، بر ضرورت «روایت‌گری هوشمندانه» در برابر جبهه رسانه‌ای دشمن که استاد جابه‌جایی جایگاه جلاّد و شهید است، تأکید شد. سخنرانان این برنامه، قلم نویسندگان و کلام شاعران را هم‌تراز راکت‌های گردان‌های قسام دانستند و بر لزوم جهانی‌سازی ادبیات پایداری تأکید کردند.



فهمیه سادات
روزنامه‌نگار

جوشش ادبی مقاومت، فراگیر شود. اوج این نشست، سخنان خالد قدمی، نماینده حماس در ایران بود که هنر شاعران و نویسندگان را هم‌سنگ سلاح مجاهدان دانست. قدمی با اشاره به شخصیت جهانی شهید یحیی سنوار، گفت: «دشمن تصور می‌کرد تصویری از یک فرمانده مغلوب ارائه می‌دهد، اما جهان، مجاهدی را دید که تا آخرین لحظه در میدان نبرد ایستاده بود. شما شاعران و نویسندگان، ارتش اصلی این جنگ هستید.»

او با تعریف روایت جانکاه «حماده» و «مریم» - جوانان فلسطینی که ماه‌ها در بی‌خبری از یکدیگر اسیر جنایات رژیم صهیونیستی بودند - از نویسندگان خواست با درک عمیق از کوچه‌ها و فرهنگ غزه، داستان‌های واقعی مردم را به جهانیان مخابره کنند. قدمی تأکید کرد که طوفان الاقصی تنها یک عملیات نظامی نبود، بلکه نقطه عطفی در «جنگ روایت‌ها» محسوب می‌شود. وی خطاب به حضار گفت: «کلام، شعر و رمان شما، راکت‌های گردان‌های قسام در میدان کلمه است.»

این نشست با تأکید بر لزوم تداوم این محافل و پیوند میدانی نویسندگان با خانواده شهدای غزه به پایان رسید؛ تلاشی برای آنکه فریادِ مظلومیت فلسطین، در حافظه تاریخ جهان ثبت شود و عادی‌سازی روابط با جنایتکاران، به بن‌بستی قطعی برسد. این گزارش گویای آن است که نبرد کلمات، آغازگر فصلی تازه در حمایت از قدس شریف است.

عصر سه‌شنبه ۱۴ مهرماه، کافه کارستان در خیابان بهارستان تهران، به سنگری برای «نبرد روایت‌ها» بدل شد. در آستانه نخستین سالگرد عملیات طوفان الاقصی، نشست «شعر و روایت غزه» با حضور جمعی از شاعران و نویسندگان متعهد برگزار شد تا بار دیگر ثابت کند هنر، تزیینی برای محافل نیست، بلکه سلاحی برنده در میدان نبرد است. این رویداد با هدف هم‌افزایی اهالی قلم برای بازتاب حقایق میدانی مقاومت و تجدید میثاق با آرمان فلسطین، با نمایش

این نشست با حضور چهره‌های برجسته ادبی و فرهنگی از جمله علیرضا قزوه، افشین علا، محمود اکرامی‌فر، علی اصغر عزتی پاک و جمعی از شاعران دغدغه‌مند برگزار شد. فضای حاکم بر برنامه، تبیین «منطق مقاومت» و تکریم فرماندهان شهید، از سید مقاومت شهید سید حسن نصرالله تا شهید یحیی سنوار بود. علیرضا قزوه، مجری برنامه، با اشاره به تجربه جهانی خود در کلمبیا، تصریح کرد که حمایت از آرمان فلسطین فراتر از مرزهای ایران، گفتمانی جهانی است که حتی در مجامع بین‌المللی نیز بازتاب یافته است.

افشین علا در بخش دیگری از این نشست، با پیوند زدن آرمان قدس به پیشینه ادبیات فارسی، از رهبر انقلاب به عنوان «شهید قدس» یاد کرد و ابراز امیدواری کرد شاعران ایرانی در پیش‌تازی سرایش برای فلسطین، همگام با شاعران عرب‌زبان، آثار ماندگاری خلق کنند.

در بخش تخصصی نشست، میثم نیلی، مدیرعامل مجمع ناشران انقلاب اسلامی، هشدار داد: «اگر روایت نکنیم، روایت می‌شویم.» وی با اشاره به مهارت دشمن در تحریف واقعیت، افزود: دشمن استادِ جابه‌جایی جایگاه جلاّد و شهید است و ما باید با تولید آثار استاندارد، این مدل از محافل ادبی را به کشورهای هند، پاکستان و سایر کشورهای اسلامی صادر کنیم تا

یادداشت

«بت» در دقیقه نود؛ این حساسیت از کجایم؟

مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

«بت» حمید نعمت‌الله قرار بود از چهارشنبه ۱۵ مهرماه روی پرده سینماها برود، اما درست در دقیقه نود اکران آن لغو شد؛ اتفاقی که حالا بیش از آنکه درباره خود فیلم سؤال ایجاد کند، درباره شیوه مدیریت سینما و سیاست اکران سؤال ایجاد کرده است. فیلمی که قرار بوده اکران شود، ناگهان کنار گذاشته می‌شود و مخاطب می‌ماند و یک سؤال ساده: دلیلش چیست؟

هنوز توضیح روشنی درباره چرایی این تصمیم منتشر نشده است، اما ما جرای «بت» یک پرسش مهم‌تر را هم به میان می‌آورد؛ اینکه اساساً این حساسیت عجیب نسبت به فیلم‌های حمید نعمت‌الله کجایم؟ چرا آثار این فیلمساز مرتب باید درگیر چنین حواشی‌ای باشند و چرا هربار درست در آستانه اکران، یک اتفاق تازه رخ می‌دهد؟

البته بحث درباره محتوای «بت» می‌تواند جداگانه مطرح باشد و اصلاً قرار نیست صرفاً چون فیلمی ساخته نعمت‌الله است، از آن دفاع کنیم. مسئله جای دیگری است. اگر فیلمی مشکل محتوایی یا قانونی دارد، چرا پیش از اکران درباره آن تصمیم‌گیری نمی‌شود؟ چرا باید همه مراحل طی شود و فیلم در برنامه اکران قرار بگیرد و بعد در دقیقه نود، نمایش آن لغو شود؟ مگر مدیریت فرهنگی قرار است با قرعه‌کشی و تصمیم‌های لحظه‌ای اداره شود؟

از سوی دیگر، این پرسش هم بی‌پاسخ مانده که چرا در مورد برخی فیلم‌های دیگر چنین حساسیتی وجود ندارد؟ فیلم‌هایی روی پرده می‌آیند که در آنها نسبت به خانواده، اخلاق، فرهنگ عمومی و حتی بنیان‌های اجتماعی، حرف‌های جدی وجود دارد و موجب وهن ارزش‌ها هستند، اما ظاهراً حساسیت‌ها یکباره فروکش می‌کند و کسی نگران آثار فرهنگی آنها نیست.

جالب‌تر اینکه خود نعمت‌الله هیچ‌گاه فیلمسازی نبوده که به لحاظ سیاسی علیه کشور موضع گرفته باشد یا سابقه لگد زدن به کشور را داشته باشد. پس این حجم از حساسیت نسبت به آثار او دقیقاً بر چه مبنایی است؟ اگر قرار است خط قرمز فرهنگی تعریف شود، باید برای همه فیلمسازان یکی باشد؛ نه اینکه یک نفر با ذره‌بین بررسی شود و دیگری با چشم بسته از کنار همان مسائل عبور کند.

مشکل «بت» فقط لغو اکران یک فیلم نیست؛ مشکل، آشفتنگی در سیاست اکران است. وقتی فیلمساز تا دقیقه نود نمی‌داند فیلمش روی پرده می‌رود یا نه، سینمادار نمی‌تواند برنامه‌ریزی کند و مخاطب هم نمی‌فهمد تصمیم نهایی را چه کسی و براساس چه معیاری گرفته است، دیگر نمی‌توان اسم این وضعیت را سیاست فرهنگی گذاشت. این چیزی جز اکران سلیقه‌ای و مدیریت آشفته نیست.

ماجرای حمایت حامد بهداد از تروریست‌های اصفهان، فارغ از محتوای جنجالی استوری نخست او، یک واقعیت مهم‌تر را آشکار کرد؛ جامعه ایران دیگر قرار نیست هر موضعی از سوی چهره‌های مشهور را بی‌پاسخ بگذارد. بهداد پس از موج واکنش‌های کاربران و اعتراض خانواده شهدای امنیت، در استوری دیگری توضیح داد که موضعش به معنای تأیید جرم و جنایت نبوده و از کسانی که احساسشان جریحه‌دار شده، دلجویی کرد.



این اتفاق را باید فراتر از یک عذرخواهی ساده دید. جامعه ایران پس از جنگ، بیش از گذشته نسبت به مواضع سیاسی و اجتماعی سلبریتی‌ها حساس شده و سطح آگاهی و مطالبه‌گری عمومی نیز افزایش یافته است. مردم امروز فقط مصرف‌کننده محتوای چهره‌های مشهور نیستند؛ درباره مواضع آنان پرسش می‌کنند، تناقض‌ها را به رخ می‌کشند و از آنها توضیح می‌خواهند. این تغییر، نشانه افزایش عمل‌گرایی افکار عمومی است. سلبریتی دیگر نمی‌تواند با انتشار یک جمله جنجالی و سپس سکوت، ماجرا را تمام‌شده تلقی کند. جامعه پاسخ می‌خواهد و اگر لازم باشد، خود سلبریتی را پای موضعش می‌نشانند.

عذرخواهی به‌بداد؛
وقتی افکار عمومی
سلبریتی‌ها را به
پاسخگویی وادار
می‌کند